

فرم ترجمان دانش

مجری: پردیس جنتی

عنوان: بررسی تاثیر صفات شخصیت خودشیفته بر همدلی: نقش واسطه‌ای خشم و خصومت، طرح‌واره‌ها و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای

کدسمات: A-10-1408-25

همکاران طرح: سیده الناز موسوی، محدثه شیاپی، امیرحسین رسولی

دانشکده: پزشکی

تاریخ خاتمه یافته: ۱۴۰۵/۶/۷

تعیین گروه مخاطب :

- ☐ ۱. رسانه ها و عموم مردم
- ☐ ۲. متخصصین سلامت
- ☒ ۳. سیاست‌گذاران پژوهشی
- ☐ ۴. سیاست‌گذاران درمانی

خبر پژوهش :

به نظر می‌رسد که صفات شخصیت خودشیفته با نقش واسطه‌ای طرح‌واره‌ها و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای بر همدلی اثر گذار باشد.

خودشیفتگی به عنوان یک صفت شخصیتی، مبنای اصلی توصیف اختلال شخصیت خودشیفته محسوب می‌شود. این صفت به عنوان الگویی پایدار از نیاز مداوم به دریافت تحسین و فقدان همدلی با دیگران شناخته می‌شود. همدلی سازه‌ای چندبعدی به معنای ظرفیت درک تجربه درونی دیگران و شناسایی فکر یا احساس آن‌هاست. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که میان خودشیفتگی و ابعاد مختلف همدلی رابطه‌ای منفی وجود دارد. نقص در همدلی در افراد خودشیفته از مهم‌ترین عوامل مشکلات بین‌فردی آن‌هاست. همچنین در عدم انسجام هویتی، آسیب‌پذیری شدید روانی، بی‌میلی به درمان و نیز گرایش به رفتارهای مجرمانه، تکانش‌گری و دستکاری روانی نقش دارد. از آنجا که افراد خودشیفته در کودکی تعامل والد-کودک صحیح و مراقبت همدلانه را تجربه نکرده‌اند، این امر به ضعف در دلبستگی و در نتیجه کمبود همدلی در آن‌ها منجر می‌گردد. علاوه بر این تجربیات منفی کودکی می‌توانند منجر به شکل‌گیری الگوهای کلی و فراگیر ناکارآمدی شوند که از آن‌ها با عنوان طرحواره‌های اولیه ناسازگار یاد می‌شود. این طرحواره‌ها شامل خاطرات، هیجانات، شناخت‌ها و احساسات بدنی درباره‌ی خود و دیگران هستند که در کودکی یا نوجوانی شکل می‌گیرند. نظام طرحواره‌ها همچنین حالت‌های هیجانی لحظه‌به‌لحظه‌ای را ایجاد می‌کند که ذهنیت‌های طرحواره‌ای نام دارند و سازمان‌دهنده تجربه کنونی فرد هستند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که طرحواره‌های اولیه و ذهنیت‌های طرحواره‌ای ناسازگار، رابطه منفی میان صفات شخصیت خودشیفته و همدلی را میانجی‌گری می‌کنند و بر نقش سازوکارهای رشدی در این زمینه تأکید دارند. این نتایج از کاربرد طرحواره‌درمانی برای پرداختن به نقایص همدلی در خودشیفتگی حمایت می‌کند و مسیرهایی را برای مداخلات هدفمند ارائه می‌دهد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، نقش میانجی طرحواره‌های اولیه و ذهنیت‌های طرحواره‌ای ناسازگار در ارتباط با ابعاد گسترده‌تر اختلال شخصیت خودشیفته و سایر اختلالات شخصیت مورد بررسی قرار گیرد.